

تعمیم اصول دموکراسی در مورد کودکان
 در راه ساختن یک جامعه آزاد و متحرک
 باید کودکان را بر طبق اصول دموکراسی بار آورد

الحمد لله رب العالمین

اگر چند لحظه‌ای برپروبال اندیشه خود سوار شویم و به اعماق قرون گذشته سفر کنیم می‌بینیم همین پدران و مادران مهربان! قسمتی از بدن طفل راناقص می‌کنند، مثلا "سینه‌پاشش را تیغ زده یا دندان پیشین او را میشکنند یا پرده بینی و لبش را سوراخ می‌کنند یا بوسیله گاز گرفتن، کاکل و پوست سر او را می‌کنند، تا وسیله‌ای برای شناسائی و نشانی او در تمام عمر باشد... از تمام این مراسم و جشن‌ها منظور تربیت طفل است." ۵ "ویل دورانت" در مورد عرب عصر جاهلیت می‌نویسد: "پدر دختر، اگر می‌خواست می‌توانست به هنگام تولد، او را زنده‌بگور کند و اگر نمی‌کرد، دست کم از

المال ملت، در راه پرورش بی - حاصل ایشان بکار افتد بگفته "فدرستون" هرگاه بخواهیم مطابق اصل دموکراسی که این همه سنگ آن را به سینه می‌کوبیم عمل کنیم باید نیازمندیهای کودکان دیر - آموز را درست مانند کودکان تند - آموز تا مین کنیم. ۳. مطالب در - همانطوری که انسان از آغاز ظهور تا امروز مراحل بسیار سخت و دشوار را پشت سر گذاشته و اکنون به مرحله‌ای رسیده است که میگوید: "شناسائی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده" بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان، اساس آزادی و عدالت و صلح را تشکیل می‌دهد." ۴ کودکان نیز به همراه اولیاء با وضعی دشوار تر روبرو بوده‌اند

"... خداوند لباس برانزده‌ی "آزادی" را بر اندام انسان پوشانیده است. کودکان رانمی - توان همچون مردم قدیم بچشم بردگی نگریست. اینان برده پدران، مادران، قانونگذاران، مسئولان امور آموزشی و پرورشی و بالاخره زمامداران نیستند. ۱" کاخ افسانه‌ای تبعیض نیز در حال فرو ریختن است. دیگر بشر عصر ما بخود اجازه نمیدهد که میان کفشگرزاده و شاهزاده ۲ میان سفید و سیاه و حتی میان کودکان تند آموز و دیرآموز فرق بگذارد. شاید این منطق برای بسیاری صحیح و قابل قبول باشد که نباید نیروی آموزگاران صرف تعلیم و تربیت کودکان دیرآموز شود و بیت -

تولد وی غمین می‌شد و از شرم زندگی روی از کسان نهان می‌کرد. ۶ زیرا احساس می‌کرد که کوشش وی هدر شده است.

جاذبه طفولیت اوسالی چندبر پدر نفوذ داشت و همینکه به سن هفت یا هشت می‌رسید، بهریک از جوانان قبیله که مورد رضایت پدر بود و بهای عروس را می‌توانست پرداخت کند شوهر می‌کرد... مرد از او (زن) می‌خواست که فرزندان فراوان البته ذکور بیاورد. زیرا وظیفه‌داشت مردان جنگجو تولید کند... ۷ قبلاً گفتیم: " افسوس که بشر دیر بیدار می‌شود." امروز خوشحالیم که بشر باهمی " دیربیداری"

خود تاحدی بیدار شده است. بر اثر همین مختصر بیداری است که سازمان ملل متحد "اعلامیه حقوق کودک" را صادر کرد و کمیته ایرانی حقوق بشر نیز مفتحخانه متسن اعلامیه را ترجمه و با عکسهائی از " یونیسف " در پنجاه هزار نسخه منتشر نمود.

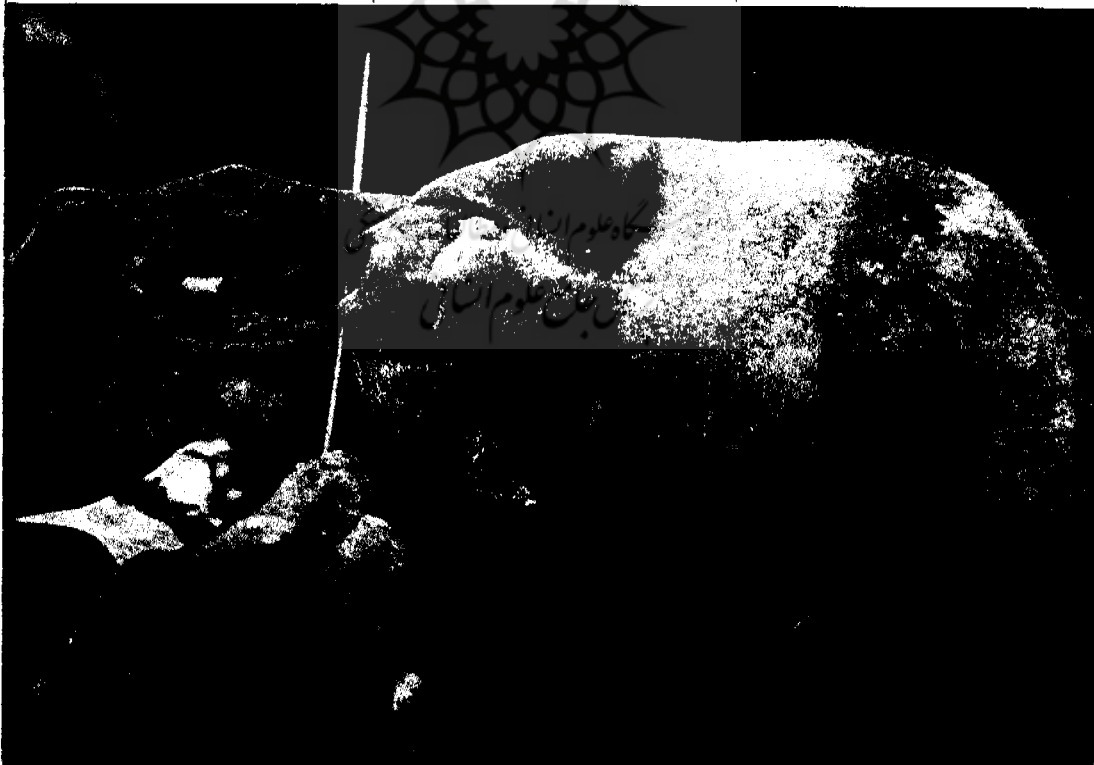
اکنون برای اینکه بطرز تفکر مردم جهان امروز بهتری ببیریم مقدمه اعلامیه مزبور را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

"از آنجا که مردم ملل متحد، بموجب منشور سازمان ملل متحد ایمان خویش را بحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش شخصیت انسانی تاءید کرده و مصمم شده‌اند که

ترقیات اجتماعی و سطح زندگی بهتری را همراه با آزادیهای بشری تاءمین نمایند.

از آنجا که سازمان ملل متحد در اعلامیه حقوق بشر اعلام داشته است که کلیه افراد بشر بدون هیچگونه تبعیضی از نظر: نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، همچنین منشاء اجتماعی و ولادت ثروت یا علل دیگر، حق دارند از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در آن اعلامیه برخوردار شوند.

از آنجا که کودک بعلت نرسیدن بمرحله رشد کامل جسمی و روحی





نیازمند مراقبت و حمایت‌های خاص قانونی قبل از تولد و بعد از آن می‌باشد.

از آنجا که ضرورت اینگونه حمایت‌ها در اعلامیه حقوق کودک مصوب سال ۱۹۲۴ و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اساسنامه‌های موسسات تخصصی و سازمانهای بین‌المللی ذینفع در رفاه کودک برسمیت شناخته شده‌است.



از آنجا که بشریت بهترین مواهب خویش را مبدون کودکان است از این رومجمع عمومی سازمان ملل متحد این اعلامیه راه منظور تاءمین سعادت کودک در طفولیت و بهره‌مندی کودک از حقوق و آزادیهای مذکور در ذیل بخاطر خود او و بخاطر اجتماع اعلام می‌دارد:

از پدران و مادران و یکایک مردان و زنان و همچنین سازمانهای داوطلب و مقامات

ملی و محلی و دولتها دعوت می‌کند که این حقوق را برسمیت شناخته و برای رعایت آن از طریق وضع قوانین و سایر اقدامات مداوم، که طبق اصول زیر عمل خواهد آمد، کوشا باشند. اکنون بشر در راه انجام رسالت بزرگی که در مورد کودکان دارد گامهای بزرگ برداشته است وجود این همه کودکان و پرورشگاه و دبستان و دبیرستان و دانشگاه و نشریات کودکان و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مخصوص کودکان و... چیزی نیست که بتوان نادیده گرفت. از نظر آنهایی که خیلی خوشبین هستند همه کارها انجام شده است و از نظر آنهایی که در مسائل کودکان تخصص و اطلاعی دارند، خیلی کم و ناچیز. "فدرستون" می‌نویسد:

خوشبختانه اخیراً پیش از پیش اولیا امور دبیرستانها دریافتهاست برنامه های کنونی نیازمندیهای مدنیت کنونی راتا مین نمی‌کند و بطور کلی در برنامه تحصیلی دبیرستانها باید تجدیدنظر کامل بعمل آید و اینک بسیاری از دبیرستانها در کشورهای مترقی جهان برنامه‌های خود را بر اصل ایجاد امکانات بیشتر و متنوع‌تر برای ابسراز استعداد دانشجویان و استقرار

روابط بهتری میان دانشجویان و دبیران و جلوگیری از هرگونه تبعیضی نسبت بدیرآموزان استوار ساخته‌اند" ۸

اما کتاب آسمانی اسلام، پدران و مادران را بابیانی قاطع و صریح دستور می‌دهد کاری نکنند که باعث گرفتاری و بیماری و عقب افتادگی و نگونبختی کودکان ضعیف و ناتوان خویش بشوند، کردار و گفتار آنها باید بطور دقیق منطبق باموازین تقوی و عدالت و انصاف باشد. هیچ تردیدی نیست که کودکان، جسماً و روحاً "واخلاقاً" مولود خصوصیات جسمی و روحی و تربیتی والدین خود هستند و بنابراین اگر بخویشتن هم رحم نکنند و از آینده خود هم بیمناک نباشند، وظیفه دارند که بفرزندان خویش رحم کنند و از آینده ایشان بیمناک باشند و آنها را در مسیر شکست و تنزل و انحطاط قرار ندهند. ۹

این دستور قرآن شالوده و اساس و زیربنای "حقوق کودک" است و کاملتر و جامعتر از تمام آنچه بشر "دربیدار" بر اثر شکستها و تحمل خسارتها و دشواریها بدان دست یافته، در پانزده قرن پیش بهمراه تمام راهنمایی‌هایی که در تاءمین سعادت طفل لازم و ضروری است در اختیار وی قرار داده‌است.

یک نکته دیگر نیز ناگفته نگذاریم:
از نظر منطق قرآن کریم، سرانجام بدسگالیها و کژ رفتاریها، پربشانیهایی است که بصورت آتش دوزخ درجهان دیگر ظهور خواهد کرد. تمام خطاهایی که بشر در مورد خود و فرزندانش - کسه نمونه‌ای از آنها را دیدیم - مرتکب شده‌است، به صورتی که ذکر شد پاسخ و عکس‌العمل خواهد داشت از این رومی‌گوید: " ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود وبسگانتان را بوسیله انجام وظایف و ترک نافرمانی و کجروی و دعوت آنها به انجام مقررات لازم و تعلیم

و تربیت صحیح از آتش گیرانه‌ای که سوخت آن خود مردم و سنگها هستند، حفظ کنید" ۱۰

آیه ۵۸ و ۵۹

(۷) تاریخ تمدن ویل دورانت

۱۱ و ۷ و ۸

(۸) از مقدمه کتاب "کودکان دیر آموز" ترجمه مشفق همدانی .

(۹) وَلِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضَعِيفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (سوره نساء آیه ۹)

(۱۰) (سوره تحریم ۶) با استفاده

از تفسیر مجمع البیان جلد دهم

صفحه ۳۱۷ و ۳۱۸

(۱) اقتباس از نامه علی (ع)

بفرزند برومندش امام حسن (ع)

نهج البلاغه - ابن ابی الحدید ۱۶ ص ۴۳ چاپ بیروت .

(۲) - دیباچه‌ای بر رهبری صفحه ۲۵۹

(۳) از مقدمه کتاب "کودکان دیر آموز"

(۴) از مقدمه اعلامیه حقوق بشر.

(۵) تاریخ فرهنگ ایران، صفحه ۱۲

و ۱۳

بقیه از صفحه ۲۵

۶- زیبایی جوئی یک سابقه فطری است و هنر زائیده این حس است و اسلام اصل این حس را محترم می شمرد و بالحن خاصی میفرماید " قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ" (اعراف / ۳۲) بگو چه کسی زینت های خداوند که برای بندگان خود آفریده است حرام کرده است.

ولی در عین حال نباید این حس آنچنان در مسیر سود جوئی افراد دیگر قرار گیرد که شرف و حیثیت انسان را به خطر افکند و هوس را آنچنان در دل زنده سازد که برای ارضاء حس زیبایی حدود مرزی نشناسد .

۱- توحید صدوق ص ۳۳۱

۲- توحید صدوق ص ۴۷

۳- ما بنی بنا فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزویج (وسائل الشیعه ج ۴ ص ۳)

۴- من تزوج احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الاخر (مدرك سابق ص ۵)

۵- والله احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا (نهج البلاغه خطبه ۳۲)

۶- تحف العقول ص ۱۷۲ چاپ بیروت و شریف رضی

آن را در نهج البلاغه از امام علی (ع) نیز نقل کرده‌است .

۷- الجهل معدن الشر ، و علم لایصلحک ضلال .